

دعا

نویسنده:

آیت الله العظمی

سید ابوالفضل ابن الرضا برقی قمی

ناشر: اداره تحقیقات اسلامی

فهرست

- ۱..... تذکر ضروری.....
- ۲..... مقدمه ناشر.....
- ۴..... مقدمه نویسنده.....
- ۶..... دعا باید مطابق با قرآن و سنت باشد.....
- ۶..... در زمان ما دعاها مملو از خرافات و بدعات است.....
- ۷..... قرآن بهترین دعاها را دارد.....
- ۸..... اکثر کتابهای دعا باطلند.....
- ۹..... عباس قمی از جهل مردم می نالد ولی خودش.....
- ۱۰..... ضررهای دعاها اختراعی.....
- ۱۱..... برهان از قرآن.....
- ۱۵..... توضیح درباره استمدا برادران یوسف علیه السلام از پدرشان.....
- ۱۶..... آیا امام همه زبانها را می داند و همه وقت در همه جا حاضر است.....
- ۱۷..... توضیح درباره آیة (استغفر لهم الرسول).....
- ۱۹..... آیا خدا وزیر دارد؟.....
- ۲۰..... وسیله قرار دادن نیکان شرک است.....
- ۲۲..... در دعاها باطل بخدا اهانت می شود.....
- ۲۳..... قرآن بهترین پناهگاه.....

بسم الله الرحمن الرحيم

تذکر ضروری

۱. دیر زمانی است که مسلمانان در بحث و مباحثه با ملل دیگر از کتب آنها دلیل می آورند.
مثلا با اینکه انجیل موجود مورد قبول ما نیست با این وجود در مباحثه با علمای نصاری، در مورد رسالت حضرت محمد(ص)، به آن کتاب، استناد می کنیم.
دلایلی که علامه برقی از کتاب نهج البلاغه و غیر آن، برای رد عقاید شیعه نقل می کند، معنایش این نیست که آن کتب مورد قبول ماست.
کتب شیعه بدلیل آنکه بطریقه غیر علمی نوشته شده اند به اجماع علمای مسلمین فاقد ارزش و اعتبار هستند.
۲. در این کتاب هر جا نام امیر المؤمنین ذکر شده مقصود حضرت علی رضی الله عنه می باشند.

مقدمه ناشر

نقطه اوج عبادات، دعاست. دعا اسلحه و تکیه گاه انسان است. اما چه بسا که شیطان این اسلحه را بر ضد آدمی بکار می گیرد.

آن هنگام که بنده بجای یا خدا مدد، یا علی مدد می گوید. و بجای یا خدا به فریادم برس، می گوید؛ یا حسین ادرکنی، آن زمان است که خداوند ندا می دهد:

من از همه شریکان بی نیازترم هر کسی در عملی برایم شریکی قرار دهد من آن عمل را تماما به شریک خود می بخشم. من از همه شرکاء بی نیازترم.

آری! خدا چنین دعایی را قبول نمی کند و آن دعا را به علی و حسین می بخشد و اما حضرت علی و حسین نیز دعا را نمی شنوند مگر روزی که به فرمان خدای سراز قبر بر دارند و خداوند راستگو به ما خبر می دهد که در آن روز نیز علی و حسین از دعا کنندگان اعلان بیزاری می نمایند. و صاحب دعا در حسیرتی بی حد و حصر فرو می رود. و راه بازگشت و راه بهشت بر او بسته شده و به جهنم فرو می افتد.

برای اجتناب از چنین سرنوشت شومی انسان قبل از هر چیز باید روش صحیح دعا کردن را بیاموزد.

کتابی که در پیش و رو دارید، بهمین منظور نگاشته شده است و اثر علامه کبیر برقعی رحمه الله علیه است.

علامه برقعی دو ماه قبل پس از تحمل آزار و اذیت فراوان از طرف
علماء سوء و مردم نادان بجهان باقی شتافت...
این کتاب به همت اداره تحقیقات اسلامی جمع آوری و چاپ و نشر
شده است. و اگر خدا توفیق دهد قصد داریم همه آثار این نویسنده بزرگ را
منتشر کنیم.

محمد باقر سجودی

مقدمه نویسنده

الحمد لله الذي اذن لعباده الدعاء و جعل من الوسائل اليه الايمان و التوبة و البكاء و الصلاة على محمد خاتم النبياء و على آله و اتباعه الاتقياء
سپاس و ستایش ذات مقدس پروردگار عظیم الشانی را سزااست که با کمال بزرگی و بی نیازی و عزت درهای لطف و مرحمت و مهربانی و عطوفت خود را بر بندگان خود گشوده و کوچک و بزرگ و صالح و طالح و مطیع و عاص و مؤمن و کافر را اذن عام و رخصت داده که هر ساعت و دقیقه از شب و روز و گاه و بیگاه و خلوت و جلوت او را بخوانند، با خود او بدون واسطه مکالمه و خطاب نمایند، و در کتاب خود سوره‌ی المؤمنون آیه‌ی ۶۰ فرموده: اُدْعُونِي اسْتَجِبْ لَكُمْ" مرا بخوانید تا برای شما اجابت کنم. و در همین آیه دعا و خواند خود را عبادت شمرده و فرموده: ان الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين" یعنی؛ هر کسی که از عبادت من که دعا باشد، تکبر ورزد بزودی داخل دوزخ گردد با کامل خواری. و دستور داده با حضرتش مناجات و عرض و حاجت کنند و حوائج خود را با او در میان بگذارند، نه امیر گذاشته و نه حاجبی و درباری، و نه وزیری گماشته و نه وکیل و معرفی.
هر که خواهد گویا و هر چه خواهد گو بخواه کبر و ناز و حاجب و دربان درین درگاه نیست. هر کس در هر جا که خواهد می تواند با جناب او

سخن گوید، او او به هر دل و هر زبانی آگاه است، نه مترجم می خواهد و نه واسطه و رشوه ای.

و نفرموده مقربین مرا بخوانید و یا کسی را واسطه و همراه بیاورید، بکله فرموده، ایمان و تقوی و زاری خود را وسیله دانید و اینها را بجوئید نه آنکه اینها را بخوانید، چنانکه در سوره مائده آیه ی ۳۵ فرموده:

اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ.

یعنی: ای مؤمنین از خدا بترسید و بسوی او وسیله ای بجوئید و نفرموده:

"ادعوا الوسيلة" و سلیه را بجوئید.

شبانہ روزی پنج مرتبہ از روی جود و کرم بندگانش را بہ درگاہ خود خواندہ و باو تقرب جوئید و با او تجدید عہد بندگی کنند، عجب خدای کارساز بندہ نواز دانای راز بی نیازی است فشکرا لہ ثم شکرا لہ

دعا باید مطابق با قرآن و سنت باشد

یکی از حقوق خدا بر بنده این است که او را بهمان نحوی که خود او دستور داده بخواند، و چنانچه او خواسته او را بندگی کند و از برنامه و قانون او تخلف نکند و به همان اسماء و صفاتی که خدا خود را معرفی کرده او را صدا زند، نه اینکه بسلیقه‌ی ناقص خود اکتفا کند و به نامها و اسمائی که لایق ذات او نیست او را بخواند و به بهانه‌ی ارادت به انبیاء و اولیاء بر خلاف قانون الهی عمل نکند.

در زمان ما دعاها مملو از خرافات و بدعات است

متأسفانه در زمان ما جهالت و غرور و بدعت‌ها چنان شایع گشته که بنام ارادت به مقربان و به بهانه‌ی رجوع به اخبار و احادیث مجعوله و کتب غیر معقوله بر خلاف دستور قرآن عمل می‌شود بلکه رسول الله (ص) و ائمه هدی سعی و کوشش داشتند که کسی بر خلاف کتاب خدا چیزی نگوید و بر خلاف قول خدا خبری نسبت به ایشان ندهد و لی چنانکه در زمان حیاتشان اذیت و آزار شدند پس از وفاتشان نیز هر کسی به نام ایشان هر چه خواست بهم بافته و میان مردم منتشر ساخت، نه حسابی در کار و نه میزانی، چه بسیار دعا‌های کفر آمیزی و شرک انگیز و مخالف توحید مورد توجه ملت شده، نه دانشمندی توجهی دارد، و نه کس خیر خواهی می‌کند و نه

خردمندی خیرخواه برای بیدار مردم سخن می گویدف عده ای از ترس دکانداران، ساکت و خاموشند، عده ای برای حفظ دکان و جمع آوری مریدان، با عوام هم آواز و دمسازند، و اکثر مردم آنقدر گرفتارند که فرصت تأمل و تفکر ندارند.

ما چون خود را مکلف و موظف و مسؤول دانستیم و از کسی هم جز خدا توقع و پاداش نداریم. در مقام بر آمدیم که حق را آشکار بگوییم و خیر امت را بنکاریم چه کسی بپذیرد و چه نپذیرد. و امیدوار و انتظار داریم که مردم هشیار و بیدار با ما همکاری کنند. و از دکانداران شاید عوام فریب نهراسند. و چنانچه خدا در سوره ی زمر آیه ی ۱۷ فرموده: نوشته ما را بخوانند و اگر دیدند حق گفته ایم ما را یاری کنند.

قرآن بهترین دعاها را دارد

بهترین دعاها، دعاهای قرآن است که حق تعالی از قول انبیاء و دیگران نقل کرده و با خود دستور داده، زیرا قرآن سند محکم و متواتر است و از دست جعلین و کذابین محفوظ مانده و خود خدا حفظ آن را تضمین کرده و در سوره ی حجر آیه ی ۹ می فرماید: **إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾**

اکثر کتابهای دعا باطلند

ولی دعاهای دیگری که در کتب دعا ذکر کرده اند نویسندگان آنها معصوم از خطا نبوده اند، یا بواسطه تسامح در ادله‌ی سنن هر دعا و زیارتی را جمع کرده اند و توجه نکرده اند که اکثر یا سندی ندارد و فلان مقدس یا فلان عالم بسلیقه خود آن را به هم بافته و یا اگر سندی دارد راویان آن یا مجهول الحال و یا اهل غلو و یا دارای عقائد باطله بوده اند و عقائد خود را در دعاها و زیارات گنجانیده و منتشر ساخته اند و مردم بی خبر با اعتماد باینکه فلان مقدس و یا فلان عالم نوشته می خوانند و این روش باعث بر نشر عقاید فاسده گردیده و در اثر انتشار آنها بسیاری از بدعتها مورد رغبت شده که دفع آنها بسیار مشکل گردیده و دانشمندان بعدی بسکوت خود گویا تمام آن خرافات و بدعت ها را امضاء کرده اند.

باید دانشمندان بیدار برای حفظ حقایق قرآنی و دفع این باطلها فکری کنند و یا برای رد این اوهام قیامی کنند. بسیاری از علمای اخیار دعاهائی که زاهدی و یا عالمی نوشته و یا در کتابی درج کرده بواسطه حسن ظنی که به او داشته اند، خیال کرده اند سندی از شرع دارد، در حالی که ممکن است که آن زاهد و یا آن عالم طبق دستور مطلقات دعا، خواسته بفکر خود دعایی زیبا بسازد و مسجع و مقفا کند، و اظهار ارادتی در پیشگاه خدا و یا بزرگان دین کرده باشد. محدثین بعدی از حسن ظنی که به او داشته اند، آنرا مسند بشرع دانسته اند.

عباس قمی از جهل مردم می نالد ولی خودش...

چه بسیار دعاهائی که مثلاً حاج شیخ عباس قمی از کفعمی و یا ابن طاووس یا ابوقره و یا از شیخ طوسی و یا ابن عیاش جوهری نقل کرده، گویا اینان از معصوم دانسته و یا به آنها حق تشریح داده. آن مرحوم در مفاتیح در ذیل زیارت وارث بسیار مذمت کرده از کسانی که زیارت و یا دعائی جعل کرده اند. و یا در دعاها کلمه ای کم و زیاد کرده اند. در حالی که آن مجعولات و یا آن کم و زیادهای موجب کفر و شرک نبوده ولی خود او در مفاتیح دعاها و زیاراتی آورده که کفر محض و شرک خالص است، مانند آنکه در زیارت ششم امیر المؤمنین ذکر شده السلام علی اصل القدیم و الفرع الکریم و الثمر الجنی، که همان تثلیث نصاری را درباره امام آورده و مثلاً از حسن مثله جمکرانی که مرد مجهول و مهملی است دعایی آورده که می گوید:

یا محمد یاعلی اکفیانی فانکما کافیای و انصرانی فانکما نصرای و احفظانی فانکما حافظای که مخالف قرآن و موجب شرک است زیرا قرآن می گوید:

الیس الله بکاف عبده

آیا خداوند برای بنده خود کافی نیست؟

ولی حسن مثله می گوید محمد و علی کافیند. خدا به رسول خود می

گوید:

وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ﴿١٧٠﴾

ما تو را حافظ مردم نگردانیم

ولی این دعا می گوید، محمد و علی هر دو حافظ می باشند.
مرحوم قمی از مجعولات عوام می نالد ولی از مجعولات و شرکیات
دانشمندان نمی نالد.

چقدر اذن دخولها برای رفتن به اعتبار امام زاده ها تراشیده اند و امام و
امام زاده ها را مانند خدا حاضر و ناظر و جوابگو قرار داده اند و تعجب این
است که برای دخول اذن می خواهد ولی اذن صادر نشده داخل می شود و
ما در کتابی بنام: "خرافات وفور در زیارات قبور" در این باره توضیحاتی
داده ایم مراجعه شود.

ضررهای دعاهای اختراعی

مفاسد دعاها و زیارات مجعوله بسیار است.

- ۱- مخالفت با عقل و قرآن که دو حجت پروردگارند و مخالفت با این
دو موجب هلاکت و نکبت و زیان دنیا و آخرت است. پس نفعی
که ندارد هیچ بلکه سر تا پا ضرر است.
حال اگر کسی بخواهد ایشان را نهی کند به عذر اینکه ما نمی
فهمیم و یا فلان عالم چنین نوشته سر پیچی می کنند بلکه علاقه ای
که به دعاهای مجعوله دارند به کتاب خدا ندارند.
- ۲- بسیار از اهل بدعت و مذاهب باطله همین دعاها و زیارات را
مدرک و سند خود قرار داده و دکانهای خود را رواج داده اند.

۳- در دعا نباید بغیر خدا توجه کرد زیرا دعا عبادتست و خواندن خدا بعنوان مدعو غیبی مانند خواند معمولی متعارف دنیوی نیست زیرا در خواندن معمولی متعارفی هر یکی از مخلوق را می توان خواند کسیکه پایش درد گرفته می تواند بگوید ای زید دست مرا بگیر، کسیکه محتاج بدوا می باشد، میتواند بگوید ای دکتر دوا به من بده، کسی که حاجتی بدیگری دارد می تواند بگوید فلانی حاجت مرا انجام بده کسیکه که نان می خواهد می گوید ای شاطر نان بده. در خواندن متعارفی معمولی فقط باید طرف حاضر باشد و صدای او را بشنود.

برهان از قرآن

اما دعای شرعی عبارت است از عبادت و آن خواندن مدعو غیبی، که فقط خدا باشد، و در این عبادت مانند سایر عبادات نباید ب احدی توجه کرد و غیر خدا را شریک نمود. چنانچه خدا در سوره ی کهف آیه ی ۱۱۰ فرموده: وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿۱۱۰﴾

عبادت مخصوص ذات پروردگار است و لذا آیات بسیار در قرآن آمده که غیر خدا را بخوانید و خواند غیر خدا را شرک دانسته از جمله در سوره ی جن آیه ی ۲۰ فرموده:

قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾

یعنی: بگو من فقط پروردگارم را می خوانم و احدی را شریک او نمی کنم. و شرک به او نمی آورم و در آیه ۱۸ فرموده:

فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾

یعنی احدی را با خدا مخوان

و در آیه ی ۱۳ و ۱۴ سوره فاطر فرموده:

تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ﴿١٣﴾ إِنَّ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ ﴿١٤﴾ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ

یعنی: آن کسانی که غیر خدا می خوانید مالک پوست هسته خرمائی نیستند، اگر بخوانیدشان نمی شنوند و اگر بشنوند اجابت نکنند و روز قیامت به شرک شما اعتراض و انکار می کنند.

در این آیه صریحا کسانی که غیر خدا را می خوانند مشرک خوانده و نمی توان کلمه "الذین" و ضمیرهای جمع مذکر که مخصوص عقلا و بر عقلا اطلاق می شود، حمل بر بتها کنیم. زیرا در لغت عرب کلمه "الذین" و ضمیر جمع مذکر بر بت اطلاق نشود باضافه روز قیامت بتی نیست که اعراض و انکار کند که چرا مشرک شدید.

پس این ایه می گوید بزرگان و عقلای را نخوانید و در سوره احقاف آیه ۵ و ۶ فرموده:

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَى يَوْمِ
الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَفْلُونَ ﴿٥﴾ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً
وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿٦﴾

یعنی: کسیت گمراه تر از آنکه غیر خدا را می خواند، آن کسی را می خواند که اجاب او نمی کند تا قیامت، و آنان از دعای ایشان آگاه نیستند. چون مردم در قیامت محشور شوند. آنان برای ایشان دشمنند و عبادت ایشان کافر و منکر بوده اند.

و در سوره نحل آیه ی ۲۰ و ۲۱ فرموده:

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخَلَّقُونَ ﴿٢٠﴾
أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٢١﴾

یعنی: و آنان را که غیر خدا می خوانند، آنان را خوانده که چیزی خلق نمی کنند، و خود ایشان مخلوقند، مردگانی غیر زنده، و درک نمی کنند، که کی برانگیخته می شوند برای قیامت.

یعنی آنکه چیزی خلق نکرده، و خود مخلوق است و با اضافه از ساعت قیامت و حشر خیر ندارد، نباید خواند. و به اتفاق آیات قرآن پیغمبر اسلام خیر از حشر نداشته و ساعات قیامت را نمی دانسته پس نباید او را خواند، چه برسد به بندگان دیگر.

در سوره اسراء آیه ی ۵۶ و ۵۷ فرموده:

قُلْ اَدْعُوا الَّذِيْنَ رَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِهٖ فَلَا يَمْلِكُوْنَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ
وَلَا تَحْوِيْلًا ﴿٥٦﴾ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ يَبْتَغُوْنَ اِلٰى رَبِّهِمُ الْوَسِيْلَةَ اَيْهُمْ
اَقْرَبُ وَيَرْجُوْنَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُوْنَ عَذَابَهُۥٓ اِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُوْرًا

﴿٥٧﴾

یعنی بگو بخوانید آن کسانی را که گمان می برند غیر از خدا، که آنان مالک و توانایی بر طرف کردن ضرر از شما نیستند و تغییری نتوانند. همان را که می خوانند خودشان بسوی پروردگارشان وسیله می جویند هر کدام که نزدیکتر و مقربترند و به رحمت او امیدوارند و از عذاب او می ترسند زیرا عذاب پروردگارت حذر کردنی است. و مانند این آیات که در سوره اعراف آیه ۱۹۴ می فرماید:

اِنَّ الَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ عِبَادٌ اَمْثَالُكُمْ

یعنی: محققا آنان را که از غیر خدا می خوانید مانند شما بندگانند.

ما نمی دانیم کسانی که امام خود و یا رسول و یا امام زاده را می خوانند، جواب این آیات را چه می دهند؟ آیا این آیات از قرآن نیست؟ آیا بزرگان دین گفته اند ما را بخوانید و بر خلاف قرآن رفتار کنید؟ آیا با دعاهای مجعوله می توان قرآن را رد کرد؟ و آیا پیغمبر و امام بشرند، و با گوش می شنوند، و یا خیر چون خدایند، که نه چشم دارند و نه

گوش و بدون چشم و گوش می شنوند؟ اگر چنین باشد پس خلقت چشم و گوش در بدن ایشان لغو بوده است. و آیا خودشان گفته اند که پس از دفن شدن چشم و گوش ، باز هم می شنویم و می بینیم؟

توضیح درباره استمدا برادران یوسف علیه السلام از پدرشان

آیا این کسانی که در دعاهای شرکيه غير خدا را می خوانند برای این کار خود دلیلی دارند؟ اینان برای خود بهانه ای تراشیده اند بنام دلیل که عوام را گول بزنند، و گاهی می گویند چگونه فرزندان یعقوب حضرت یعقوب را خواندند و گفتند؟

قَالُوا يَا أَبَانَا أَسْتَغْفِرُ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴿٥٧﴾ قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّيَّ

در جواب ایشان باید گفت:

اولاً- حضرت یعقوب زنده بود، نه مرده و چون او را آزرده بودند، و یوسف او را برده بودند، وظیفه شان این بود که بروند و از او معذرت بجویند، و او را وادار کنند، که از خدا برایشان طلب مغفرت کند. و این وظیفه هر مسلمانی است که اگر کسی را اذیت کرده، برود به او التماس کند تا او را از خدا برایش آمرزش بخواهد. و این مربوط به این مسأله

نیست، زیرا خواندن یعقوب زنده‌ی حاضر، خواندن و درخواست متعارفی است که ما گفتیم این خواندن مدعو غیبی نیست، آیا اگر حضرت یعقوب از دنیا رفته بود، می توانستند با او بگویند، یا ابانا استغفر لنا... واگر می گفتند آیا یعقوب می شنید و جواب می داد؟ البته خیر پس قیاس حاضر به غایب و آنکه را وفات نکرده به کسی که وفات کرده، صحیح نیست. بحث ما این است که امام و یا رسولی که حاضر نیست، و از دنیا بی خبر است و در بهشت برزخی ساکن است و آنجا از هم و غم دنیا بی خبر است، آیا می توان خواند؟ و آیا او جواب می دهد؟

ثانیا- حضرت یعقوب به فرزندان می گوید؛

وَمَا أَعْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ^ط

یعنی: ای فرزندان من هیچگونه کاری از طرف خدا برای شما نمی توانم.

چگونه آن کلام یعقوب را قبول دارید ولی این کلام را که آب پاکی بدستان داده و فرموده من کاری نتوانم قبول ندارید، و یا بی خبرید؟

آیا امام همه زبانها را می داند و همه وقت در همه جا حاضر است.

آیا از رسول خدا(ص) و یا امام خبری رسیده که ما را بخوانید؟ در صورتی که قطعاً چنین خبری وجود ندارد.

آیا اگر مردم پیغمبر و یا امام را بخوانند ایشان به همه گوش می دهند؟ و آیا همه جا حاضرند و آیا صوت آن یکی مانع از صوت دیگر نیست؟ آیا اینان صفات خدا را دارند و با خدا شریکند که لایشغله شأن عن شأن و لا صوت عن صوت؟

آیا آن رسول و امام مجبورند که هر کس صدایشان کرد بشنوند و فوری اطاعت کنند، و برای همه کس واسطه شوند؟ هزاران دعای مجعول را بامام زمان بسته اند در صورتیکه می گویند آن امام گفته؛
من ادعی المشاهدة فهو مفتر كذاب.

یعنی: هر کس در زمان غیبت کبری ادعای مشاهده مرا نماید، افترا زده و کذاب است.

و غالب دعاهاى امام زمان را از قول او در زمان غیبت کبری نقل کرده اند.

توضیح درباره‌ی آیه‌ی (استغفر لهم الرسول)

و گاهی می گویند؛ چون خدا راجع به منافقین در سوره‌ی نساء آیه ۶۴ فرموده:

وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَّحِيمًا ﴿٦٤﴾

یعنی: این منافقین که به حکومت و قضاوت تو راضی نبودند و پشت سر تو بدگویی کردند، اگر نزد تو آمده بودند و از خدا طلب آمرزش می کردند و رسول برای ایشان از خدا آمرزش خواسته بود، هر آینه خدا را توبه پذیر و رحیم یافته بودند. سپس نتیجه می گیرند هر مسلمانی باید برود نزد رسول خدا(ص) در هر کاری که به خدا دارد در هر زمانی جواب این است که: اولاً- طرف سخن در آیه با منافقین است که رسول خدا(ص) را اذیت کرده بودند، و وظیفه ایشان بوده که بروند و پوزش و عذرخواهی نمایند. و این مربوط به سایر مسلمین نیست.

ثانیاً: خدا نفرموده بروید نزد رسول بلکه فرموده اگر منافقین می آمدند. پس آنان که وظیفه داشتند نزد رسول خدا(ص) بروند نفرموده بروید چه برسد به دیگران.

ثالثاً: در آن وقت ممکن بود نزد رسول خدا(ص) بروند چون زنده و میان مردم بود، اما زمان بعدی ممکن نیست کسی نزد رسول خدا(ص) برود زیرا از دنیا رفته و در عالم باقی است و از عالم فانی غصه ها و رنجهای آن بی خبر است.

پس قیاس مع الفارق است و امیر المؤمنین در نهج البلاغه می گوید: خدا رسول خود را از میان مردم برد

در کلمه ۸۸ کلمات قصار: کان فی الارض امانان من عذاب الله وقد رفع
احدهما (تا آخر)

آیا خدا وزیر دارد؟

و گاهی می گویند؛ اگر کسی بخواهد سلطانی را ملاقات کند، باید نزد وزیر
و یا مأمور دیگری برود، ما هم هر وقت به خدا کاری داریم باید به مقربین او
مراجعه کنیم. جواب این است که:

سلطان همه جا حاضر نیست و از حال رعیت خبر ندارد و اگر رعیت نزد
او برود ممکن است به او دروغ بگوید، و بر خلاف واقع عرض کند، و لذا
ناچار باید به مأمورین و وزراء مراجعه کند، ولی خداوند چنین نیست. خود
همه جا حاضر و از حال بندگان مطلع و حاجت آنان را می داند و خود
فرموده: من از رگ گردن به شما نزدیکترم. به اضافه خدا را نباید تشبیه بشاه
و یا مخلوقات دیگر نمود و در قرآن فرموده: "لیس کمثله شیء" و رسول خدا
و ائمه فرموده اند:

من شبه الخالق بالمخلوق فهو مشرک

یعنی: کسی که خدا را به مخلوق تشبیه کند، مشرک است.

شما چرا توحید خود را آلوده به شرک می سازید. خدا احتیاج به امیر و
وزیر ندارد. و خود دستور داده که او را بخوانند. اگر سلطانی به رعیت خود

بگوید؛ هر حاجتی داری به خود من مراجعه کن، آیا سزاوار است رعیت اعتنا نکند و بگوید؛ خیر من باید به وزیر مراجعه کنم.

وسيله قرار دادن نيکان شرک است.

و يا می گویند ما مقربان در گاه خدا را می خوانیم تا وسيله باشند. و خدا در قرآن فرموده:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ

جواب این است که:

اولاً- خدا در این آیه فرموده وسيله را بجوید، و نفرموده وسيله را در حوائج خود بخوانید، وسيله حسنتی است نه خواندنی، که نه تنها در تقرب به خدا بلکه تهیه خوراک، و پوشاک و مسکن و در کسب و تجارت و زراعت و غیره انسان محتاج وسائل است. انبیاء و اوصیاء در دعا و عرض حاجت به خدا وسيله نیستند. خدا دور نیست تا محتاج بواسطه ایشان باشد. و برای دعا و عرض حاجت خود انبیاء نفرموده اند ما واسطه یا وسيله هستیم بلکه فرموده اند:

"الحمد لله الذي ادعوه و لا ادعو غيره و لو دعوت غيره لخبث دعائي"

ثانیاً- آیه: "ابتغوا اليه الوسيلة" خطاب به رسول الله و سایر مؤمنین است، باید دید رسول الله(ص) و علی(رض) به این آیه چگونه عمل کرده اند؟ آیا چه وسيله ای می جستند؟ رسول خدا(ص) عرض می کند:

"الهی وسیلتی إلیک ایمانی بک"
یعنی: خدایا وسیله من ایمان من است.
و علی در خطبه ۱۰۹ نهج البلاغه می فرماید:
ان افضل ما توسل به المتوسلون الی الله الایمان به و برسوله و الجهاد فی
سبيله...

و در دعای کمیل عرض می کند: و یتوسل الیک بر ربوبیتک. یعنی: خدایا
توسل من بسوی با ایمان به ربوبیت توست.
و در مناجات ماه شعبان عرض می کند:
و جعلت الاقرار بالذنب الیک وسیلتی.
یعنی: اقرار به گناه وسیله من است.
و امام سجاد در دعای ابو حمزه عرض می کند:
"الهی بدعائک توسلی"

یعنی: الهی با دعایم بسویت متوسل می شوم.
پس وسیله ایمان و تقوی و دعا و عبادت است نه اشخاص مقربین.
باضافه ایمان و تقوی و عبادت را می توان جست و تهیه کرد. اما بندگان
مقربین را نمی توان جست و تهیه نمود. زیرا آنان از دنیا رفته اند و جستن
آنان مقدور نیست، و تکلیف الهی تابع قدرت است. پس بندگان مقرب مطیع
ما و شما نیستند و اصلا از احوال ما خبر ندارند تا فوری بیایند و برای ما
واسطه شوند و بروند.

در دعاهای باطل بخدا اهانت می شود

و از مفاسد دیگر دعاهای مجعوله این است که صفات و اسمائی برای خداوند ذکر شده که لایق مقام الهی نیست. مثلاً: در دعای پنجم رجیبه در مفاتیح به خداوند می گوید:

" لا فرق بینک و بینها إلا أنهم عبادک رتقها بیدک"

یعنی: (خدایا بین تو و والیان امرت فرقی نیست جز اینکه آنان بندگان تو اند. و در پاره کردن و دوختن آنان بدست توست) و ضمیر مؤنث برای والیان بکار برده است.

و مثلاً در دعای هشتم خمسه‌ی عشر به خدا عرض می کند:

"وصلک منی نفسی"

یعنی: خدایا وصل شدن به تو آرزوی نفس من است.

خداوند وصل و فصل ندارد یا مثلاً در دعای ندبه به امام می گوید:

یا بن الطور و العادیات، و یا بن یس و الذاریات.

یعنی: ای پسر طور و اسبان دونده، و ای پسر یس و بادهای وزنده.

یک عده از عالم نمایان این عبارات مهمل را به زور تقدر و تأویل

تصحیح می کنند، و حال آنکه این کار صحیحی نیست. زیرا هر کفری را

می توان بزور تأویل و تقدیر، حمل به ایمان کرد.

قرآن بهترین پناهگاه

به هر حال اکثر دعا‌های مجعوله و زیارات موضوعه با قرآن مخالف است. و چون ملت ما را از قرآن دور و بی‌خبر داشته‌اند، متوجه این چیزها نیستند. پس بر هر مسلمانی واجب است تا اندازه‌ای که می‌تواند با قرآن آشنا شود. زیرا تدبیر در کتاب آسمانی لازم و دوری از آن، موجب هلاکت و غرق شدن در خرافات مذهبی است. و یکی از وسائل آشنا شدن به آیات قرآن این است که دعا‌های قرآن را انسان حفظ کند. و در مواقع مناجات و دعا و عرض حاجت بخواند. امیرالمؤمنین فرموده:

کسی که قرآن دارد، به چیز دیگری احتیاج ندارد و از هر کتابی بی‌نیاز است.